



Discovering the Process of Realizing Social Justice through the Analysis of Verses Containing the Keywords ‘Adl and Qist

Mohammad-Javad Ghasemi Asl-Estahbanati  / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute

ghasemiasl@iki.ac.ir

Received: 2024/11/24 - **Accepted:** 2025/05/04

Abstract

While the necessity of justice is innate to human nature, a precise understanding of its components and realization process remains a central concern of scholars and a pressing need of society. Gaining insight into the Qur’anic perspective on justice requires a comprehensive analysis of the relevant verses. This study seeks to formulate a theory regarding the “process of realizing social justice” by organizing and analyzing Qur’anic verses that include the terms ‘adl (justice) and qist (equity). Accordingly, nearly fifty verses containing these two keywords were selected. From approximately seventy keywords within these verses, twenty-five primary terms were extracted. Furthermore, from a broader set of eighty verses, positive equivalents were identified for fourteen key negative terms. Based on the dichotomies of “action versus condition” and “qualities versus effects,” the primary positive keywords were categorized into four groups and aligned with the domains of justice realization—namely needs, resources, obligations, and rights. The widespread persistence of just behavior among individuals gradually fosters a just social condition, which in turn leads to the manifestation of both behavioral and structural effects of justice across the society. Therefore, the Qur’anic process of realizing social justice may be delineated in four stages: 1. Needs: truth and good; 2. Resources: rightful leadership, knowledge, divine law (sharī‘a), righteousness (birr), and legal boundaries (ḥudūd); 3. Obligations: sustained collective faith, adherence to knowledge and law, observance of boundaries, enactment of righteousness, piety, economic responsibility, benevolence, fulfillment of duties, reform, expression, and clarification; 4. Rights: the widespread establishment of trust, security, recourse, public benefit, growth, stability, perfection, and optimal realization (ta’wīl aḥsan).

Keywords: Social Justice, Process of Realizing Social Justice, ‘Adl and Qist in the Qur’an.

کشف فرایند تحقق عدالت اجتماعی با تحلیل آیات مشتمل بر دو کلیدواژه «عدل» و «قسط»

محمدجواد قاسمی اصل اصطهباناتی  / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* ghasemiasl@iki.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

چکیده

درک ضرورت عدالت فطری است، اما فهم دقیق مؤلفه‌ها و فرایند آن دغدغه اندیشمندان و برآورنده نیازهای جامعه است. درک نگاه قرآن به عدالت نیازمند فهم جامعی از آیات ناظر به عدالت است. این مقاله کوشیده است با تنظیم آیات مربوط به عدل و قسط، نظریه‌ای درباره «فرایند تحقق عدالت اجتماعی» استنباط کند. بدین‌روی قریب ۵۰ آیه دارای کلیدواژه «عدل» و «قسط» انتخاب شده و از ۷۰ کلیدواژه در این آیات، قریب ۲۵ کلیدواژه اصلی استخراج شده و از ۸۰ آیه، برای ۱۴ کلیدواژه اصلی سلبی، معادل‌های ایجابی انتخاب گردیده است. بر اساس دو تفکیک «رفتار - وضعیت» و «ویژگی‌ها - آثار»، کلیدواژه‌های اصلی ایجابی به چهار بخش تفکیک و بر مواضع تحقق عدالت (نیازها، امکانات، تکالیف و حقوق) منطبق شده است. استمرار عمومی رفتار عادلانه، جامعه را به تحقق وضعیت عادلانه در جامعه سوق می‌دهد و به‌تدریج، آثار رفتار عادلانه و سپس آثار وضعیت اجتماعی عادلانه جامعه را فرا می‌گیرد. بنابراین، فرایند تحقق عدالت اجتماعی در قرآن چهار گام دارد: (۱) نیازها؛ حق و خیر؛ (۲) امکانات؛ امام حق، علم، شریعت، برّ و حدود؛ (۳) تکالیف: استمرار عمومی ایمان، پیروی علم، پیروی شریعت، حفظ حدود، انجام برّ، اتقاء اقتصاد احسان، ایفاء اصلاح، ابداء و تبیین؛ (۴) حقوق: فراگیرشدن اطمینان و اعتماد و تحصّن، رواج یافتن نفع، رشد، قوام، ثبات، کمال و تأویل احسن.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، فرایند تحقق عدالت اجتماعی، عدل و قسط در قرآن.

«عدالت» از آرمان‌های انسانی است که مکاتب گوناگون اجتماعی به بیان‌های گوناگون ادعای تحقق آن را داشته‌اند. اسلام پرچم عدالت‌خواهی را بلند کرده و عدالت اجتماعی از اصول مذهب اقتصادی اسلام است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

بحث از عدل و قسط در قرآن و سنت، گاه به‌صراحت مطرح شده و آیات و روایات به تشریح ابعاد عدالت و ارزشمندی آن پرداخته‌اند و گاه نیز اگرچه به‌صراحت سخنی از عدالت نیست، در قالب احکام شرعی تحقق عدالت دنبال شده است. برای توفیق در تحقق آرمان عدالت اجتماعی، لازم است برداشت صحیحی از عدالت و نحوه تحقق آن داشته باشیم. مکاتب گوناگون ممکن است ادعای عدالت نمایند، اما عدالت و تحقق آن حقیقتی بسیط نیست، بلکه ابعاد، مؤلفه‌ها و مراحل متنوعی دارد که تحقق عینی آن را با دشواری مواجه می‌کند.

تحقق چنین پدیده پیچیده‌ای نیازمند منظومه فکری منسجمی است. برداشت صحیح درباره عدالت اجتماعی، فرایندی دیدن تحقق عدالت اجتماعی است. در غیر این صورت، نگاه انتزاعی بر تحقیقات حاکم خواهد شد، به‌گونه‌ای که از دیدن مقدمات و آثار عدالت اجتماعی و فهم مراتب تحقق عدالت اجتماعی ناتوان خواهد بود.

این تحقیق با تمرکز بر آیاتی از قرآن که کلیدواژه‌های عدل و قسط در آنها به کار رفته، به دنبال کشف فرایند تحقق عدالت اجتماعی است. بنابراین، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است: «بر اساس آیات قرآن، فرایند تحقق عدالت اجتماعی چگونه است؟»

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا گام‌های مورد نیاز برای استنباط، در قالب هفت گام تبیین می‌شود. سپس این گام‌های هفت‌گانه در کشف نگاه قرآن به فرایند تحقق عدالت اجتماعی استفاده می‌گردد.

در کنار پیشینه عام تحقیقات درباره عدالت (ر.ک. صدر، ۱۳۸۲؛ رجایی و معلمی، ۱۳۹۴)، برخی محققان به‌صورت ویژه دیدگاه قرآن را درباره عدالت و عدالت اجتماعی بررسی کرده‌اند؛ از جمله:

پایان‌نامه بررسی مسئله عدالت در قرآن کریم و عهدین (عزیزپور، ۱۳۹۳)؛

کتاب مدینه عادلانه: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن کریم (خاندوزی، ۱۳۹۱)؛

کتاب عدالت‌پژوهی در پرتو قرآن کریم (پورعزت و علی‌پور، ۱۳۹۲)؛ نویسندگان به مباحثی همچون نوع‌شناسی عدالت، واژه‌شناسی «عدل» با تشریح دو واژه «عدل» و «قسط»، گزاره‌های بنیادین عدالت، منزلت عدل در ساختار واژگان قرآنی و مختصات جامعه عدل قرآنی پرداخته‌اند.

پژوهش عدالت در قرآن و نسبت آن با پیشرفت (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۲)؛ این پژوهش در سه بخش شبکه مفهومی عدالت در قرآن، نظریه و کاربردهای عدالت در قرآن، و نسبت عدالت و پیشرفت ارائه کرده است.

در بخش اول در چهار فصل مفهوم‌شناسی عدالت در قرآن (شامل راه مستقیم، انصاف، تساوی، دادن حق به ذی‌حق، عوض و فدیة، انحراف و اعوجاج، و توازن و تعادل)، مفاهیم جانشین یا مترادف (شامل قسط، وسط، قوام،

میزان، قصد و قدر، مفاهیم متضاد (شامل ظلم، فساد، تعدی، بغی، بطر، طغیان، استغناء) و مفاهیم هم‌نشین یا ملازم (شامل حق، تمامیت، تقوا، فلاح، سعادت، معروف، برّ، نور، خیر) را ارائه کرده است.

در بخش دوم در دو فصل «نظریه عدالت در قرآن کریم»، تعریف «عدالت» به‌مثابه توازن و «کاربردهای عدالت در قرآن کریم» را در چهار عرصه ارتباط انسان با خدا، با دیگران، با طبیعت و با خود مطرح نموده است.

مقاله «مفاهیم اخلاقی معیار از منظر قرآن کریم» (صالحی، ۱۳۹۱)؛ نویسنده با طرح این پرسش که طبقه‌بندی قرآن کریم از مفاهیم اخلاقی چگونه است؟ دو اصل «عدالت» و «احسان» را معیار و مرجع سایر مفاهیم اخلاقی می‌داند. وی آیات مربوط به عدالت را در چهار سرفصل ذیل دسته‌بندی کرده است: ۱) محور تکوین و حرکت هستی؛ ۲. فلسفه بحث و انزال کتب؛ ۳. فلسفه احکام اخلاقی - حقوقی؛ ۴. شئون مختلف زندگی انسان.

نگارنده پس از طرح دیدگاه‌ها درباره مفهوم «عدالت»، با استفاده از روایات، معنای «انصاف» را برای «عدل» برمی‌گزیند؛ یعنی «آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند».

مقاله «بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور» (عریضاهی کهریزی، ۱۳۹۵)؛ نویسنده با تفکیک کاربردهای عدل در قرآن، هشت معنای متفاوت برای «عدل» در کاربرد قرآنی مطرح کرده است؛ اما از چگونگی کشف این معانی سخنی نمی‌گوید.

مقاله «صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط» (اخوان طوسی و داوری، ۱۳۹۷)؛ نویسنده با بهره‌گیری از نظریات گوناگون در حوزه معناشناسی، نظیر روابط هم‌نشینی، حوزه‌های معنایی، مؤلفه‌های معنایی و همچنین روش‌های زبان‌شناسی تاریخی (مانند ریشه‌شناسی، گونه‌شناسی و مطالعات زبان‌های سامی)، تحلیلی معناشناختی از واژه قرآنی «قسط» ارائه می‌دهند.

مقاله «تبیین ماهیت و اهمیت عدالت از منظر قرآن کریم» (فقیه‌زاده و شهابت، ۱۳۹۸)؛ نویسندگان با تحلیل محتوای کیفی آیات و روایات به این نتیجه رسیده‌اند که «عدالت» ضد ظلم و به مفهوم رعایت استحقاق‌ها و دادن حق هر ذی‌حقی به اوست.

مقاله حاضر در مقایسه با تحقیقات پیشین، در چند جهت تمایز و نوآوری دارد:

۱. ارائه و تشریح تفصیلی روش اصولی کارآمد در کشف نظریه قرآنی که قابل تأیید و پذیرش بر اساس ضوابط استظهار (فهم متن) مطرح در علم اصول فقه است.

۲. تطبیق گام‌به‌گام روش ارائه‌شده بر مراحل کشف نظریه؛

۳. ارائه نظریه در قالب پرسشی که بر فهم عقلی استوار است، سپس ارائه این پرسش عقلانی بر قرآن و تطبیق پرسش‌های عقلی بر کلیدواژگان قرآنی.

۴. ارائه نظریه در قالب فرایند و بسته پیوسته و منسجم (نه صرفاً یک تعریف یا گزاره خبری ساده).

۱. گام‌های کشف شیوه تحقق عدالت در قرآن

این بخش مقاله روش‌شناسی پژوهش حاضر را توضیح می‌دهد و تصویری کلی از چرایی و چگونگی انجام این پژوهش را بازمی‌نماید.

برای دستیابی به شیوه تحقق عدالت از منظر اسلام و قضاوت روشن درباره عدالت در اندیشه اسلامی و معانی مطرح‌شده درباره آن، هفت گام اساسی باید طی شود:

۱. شناخت و تعریف «عدالت» به عنوان یک مفهوم فلسفی یا اعتباری و ارتباط آن با انسان و جامعه؛

۲. تحلیل آیات مرتبط و استخراج کلیدواژگان «عدل» و «قسط»؛

۳. تبدیل کلیدواژه‌های سلبی به ایجابی برای نظام‌بخشی مفاهیم عدالت؛

۴. تنظیم و دسته‌بندی کلیدواژه‌های اصلی ایجابی؛

۵. تبیین مواضع تحقق عدالت و نسبت آن با زنجیره مفاهیمی همچون نیازها، امکانات، تکالیف و حقوق؛

۶. تحلیل رفتارها و وضعیت‌های عادلانه و آثار آنها بر اساس کلیدواژه‌های اصلی؛

۷. تطبیق این مفاهیم و کلیدواژه‌ها بر مبانی و اصول قرآنی مرتبط.

گام اول

باید موضع تحقق عدالت تبیین شود تا بتوانیم به پرسشی اساسی درباره عدالت برسیم و آن پرسش را پیش‌روی قرآن بگذاریم. با این پرسش، جهت‌گیری تحقیق و جست‌وجو در قرآن تعیین می‌شود. برای تحقق این هدف، ابتدا باید نوع مفهوم «عدالت» را بشناسیم:

– آیا مفهومی حقیقی است یا اعتباری؟

– اگر با مفهومی حقیقی مواجه‌ایم، چگونه مفهومی است؟

– بعد از تعیین نوع مفهوم که مسئله‌ای مربوط به معرفت‌شناسی و فلسفه است، نوبت به این می‌رسد که تعیین

کنیم ارتباط بین مفهوم «عدالت» با انسان و جامعه چیست؟

– عدالت با چه ابعادی از انسان و جامعه مرتبط است؟

بنابراین در این مرحله به شناخت ابعاد انسان و جامعه نیاز داریم. ثمره پیوند بین یک مسئله معرفت‌شناختی – فلسفی با یک مسئله انسان‌شناختی – جامعه‌شناختی، پرسشی مبتنی بر دانش بشری (عقلی – تجربی) فراهم می‌کند. سپس باید با هدف پاسخ به پرسشی که در گام اول مطرح شده است، سراغ قرآن برویم و مجموعه آیات مرتبط با موضوع «عدالت» در قرآن بررسی شود تا مصداق «عدالت» و جامعه عادلانه در منطق اسلامی استخراج گردد.

مطابق کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، این تحقیق مصداق «استنطاق» از قرآن کریم است: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱)؛ یعنی قرآن را به سخن بیاورید. این در حالی است که قرآن کلام است و گوینده نیست «وَلَنْ يُنْطِقَ لَكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱)؛ یعنی این در حالی است که قرآن هرگز با شما سخن نخواهد گفت.

درباره سخن مزبور سه پرسش شکل می‌گیرد:

۱. مقصود از اینکه «قرآن کلام است، اما متکلم نیست» و «استفاده از قرآن نیازمند استنتاج است» چیست؟

۲. مقصود از اینکه «قرآن هرگز با شما سخن نخواهد گفت» چیست؟

۳. اگر قرآن هرگز با ما سخن نخواهد گفت، مقصود و فایده استنتاج از قرآن چیست؟

طبق تعبیر شهید صدر، «استنتاج از قرآن» یعنی: طرح پرسش و کشف پاسخ از قرآن در قالب گفت‌وگو و مطالبه که وی از آن به «تفسیر موضوعی» تعبیر کرده است (ر.ک. صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۹-۱۴).

در تفسیر موضوعی، مبتنی بر نیازهای واقعی و دانش بشری، برای پژوهشگر مسلمان درباره یک «مشکل» پرسشی شکل می‌گیرد. سپس با اعتقاد به جامعیت قرآن نسبت به همه نیازهای بشر در مسیر هدایت، پرسش دومی برای پژوهشگر اسلامی شکل می‌گیرد که موضوع و دیدگاه قرآن نسبت به این مسئله چیست؟

سپس با اعتقاد به امکان فهم مقصود و مقصد قرآن برای غیر معصومان و عدم اختصاص فهم قرآن به اهل بیت (ع)، این پرسش را به قرآن عرضه می‌کند و در جست‌وجوی پاسخ قرآن برمی‌آید.

پاسخ به دست‌آمده اگر بر اساس ضوابط استظهار و فهم متن باشد، باید: ۱) به صورت عقلایی جامع (شامل آیات مرتبط) و مانع (شامل نشدن آیات غیر مرتبط) باشد. ۲) با احکام ضروری عقلی، مسلمات شرعی و محکّمات قرآنی منافاتی نداشته باشد. تنها در این صورت، می‌توان آن را به عنوان یک نظریه قرآنی قابل استناد پذیرفت.

قرآن هرگز ابتدائاً با ما سخن نخواهد گفت؛ زیرا با وجود اینکه متن قرآن همواره در دسترس است، مقصود از سخن گفتن قرآن آن است که ما از قرآن متوجه حقیقتی یا وظیفه‌ای شویم. این سخن گفتن منوط به توجه، التفات و درک مشکل و مسئله از سوی انسان است. به عبارت دیگر، انسان باید نسبت به موضوع قرآن درباره مسئله خویش حساس شود.

برای روشن‌تر شدن این ویژگی، قرآن را می‌توان به دریا تشبیه کرد، نه چشمه. چشمه در هر زمان نیاز همان زمان را به آب شیرین بالفعل تأمین می‌کند؛ اما دریا تأمین نیازهای تمام زمان‌ها را بالقوه در خود دارد. با این حال، غواصی لازم است تا از دریا گوهر یا ماهی صید کند. همچنین ممکن است نیاز باشد که آب شور دریا تصفیه شود تا قابل استفاده گردد.

این ویژگی قرآن کاملاً متناسب با تدریج و تحول مستمری است که در زندگی انسان‌ها برقرار است. قرآن همچون دریایی است که با نیازهای متغیر بشری همراهی می‌کند و در هر زمان، پاسخگوی مسائل مختلف به شرط التفات و جست‌وجوی دقیق است.

گام دوم

در این گام تلاش می‌شود استقرائی تام انجام و همه آیات مربوط به کلیدواژه‌های محوری «عدل» و «قسط» در قرآن جمع‌آوری شوند. البته رسیدن به استقرائی تام که جامع آیات مرتبط و مانع آیات غیر مرتبط باشد، محدودیت‌هایی دارد؛ از جمله:

۱. از جهت جامعیت، ممکن است آیاتی وجود داشته باشد که حاوی کلیدواژه‌های محوری نباشد، اما مضمونی درباره مفهوم «عدالت» داشته باشد.

۲. از جهت مانعیت، ممکن است برخی کاربردهای کلیدواژه محوری به سبب وجود مشترک لفظی یا استعمال مجازی، ربطی به معنای مد نظر نداشته باشد.

۳. از جهت کارایی آیات برای رسیدن به نظریه قرآن، برخی آیات ممکن است فاقد واژه‌های راهنما یا جهت‌دهنده باشند.

گام سوم

در این گام، با کاوش در آیات مرتبط، تلاش می‌شود هر واژه‌ای که می‌تواند در فهم معنای عدالت جهت‌دهنده و راهنمایی‌کننده باشد، جمع‌آوری شود.

این واژه ممکن است:

- توصیفی برای عدل باشد.
- صفت مغایری با عدل باشد.
- استدلالی بر عادلانه بودن وضعیت یا رفتاری باشد.
- یا نتیجه و کاربرد تحقق عدالت را ارائه کند.

گام چهارم

در این گام، با کاوش در آیات مرتبط با مسئله، تلاش می‌شود هر واژه‌ای که می‌تواند در فهم معنای «عدالت» جهت‌دهنده و راهنمایی‌کننده باشد، جمع‌آوری شود. این واژه‌ها ممکن است:

- توصیفی برای عدل باشند.
- صفت مغایری با عدل باشند.
- استدلالی بر عادلانه بودن وضعیت یا رفتاری باشند.
- یا نتیجه و کاربرد تحقق عدالت را ارائه کنند.

گام پنجم

در این مرحله، کلیدواژه‌های به دست آمده دسته‌بندی می‌شوند تا بتوانیم آنها را در دو دسته «کلیدواژه‌های اصلی» و «کلیدواژه‌های فرعی» مرتب کنیم.

کلیدواژه‌های اصلی: این واژه‌ها به اصل مفهوم و چارچوب عدالت مرتبط هستند و محور تحقیق محسوب می‌شوند. لازم است شناخت منضبط و دسته‌بندی دقیقی نسبت به این واژه‌ها داشته باشیم.

کلیدواژه‌های فرعی: این واژه‌ها به مباحثی مرتبط هستند که در رتبه بعد از فهم اصل مضمون عدالت قرار دارند.

برای دستیابی به این هدف، از دو تفکیک کلیدی استفاده می‌شود:

۱. **ایجابی در مقابل سلبی:** کلیدواژه «ایجابی» مثل «حق» از معنایی مثبت و موجود حکایت می‌کند، اما کلیدواژه «سلبی» مثل «عدم ظلم» از معنایی منفی سخن می‌گوید که درباره عدالت صادق نیست و با الفاظی همچون «عدم» نفی می‌شود. برای کلیدواژه‌های سلبی، می‌توان معادل‌های ایجابی جایگزین پیدا کرد.
۲. **ثبوتی در مقابل اثباتی:** کلیدواژه «ثبوتی» مثل «کمال» از محتوا حکایت می‌کند، اما کلیدواژه «اثباتی» مثل «ما انزل الله» از راه کشف محتوا سخن می‌گوید.

بر این اساس، ممکن است چهار نوع کلیدواژه داشته باشیم: ایجابی - ثبوتی؛ ایجابی - اثباتی؛ سلبی - ثبوتی؛ سلبی - اثباتی. بررسی تفصیلی انواع کلیدواژه‌های فرعی نیازمند تحقیقات تکمیلی است.

گام ششم

در این گام، تلاش می‌شود کلیدواژه‌های اصلی یکپارچه و منسجم شوند. از میان چهار نوع واژگان اصلی، واژه «ایجابی - ثبوتی» کارآمدتر است و واژه «سلبی - اثباتی» کم‌کاربردتر؛ زیرا هدف این تحقیق کشف مفهومی واقعی است و ارائه چنین مفهومی با واژگان ایجابی رساتر از واژگان سلبی است.

واژگان اثباتی صرفاً از منبع کشف واقعیت سخن می‌گویند، اما اطلاعات مستقیمی درباره مضمون عدالت ارائه نمی‌کنند. از سوی دیگر، واژه‌های سلبی اگرچه فاقد محتوا هستند، اما معمولاً با واژگان ایجابی ملازم‌اند که از مفاهیمی مرتبط با عدالت حکایت می‌کنند. این مفاهیم را می‌توان با بررسی آیات حاوی آن کلیدواژه‌ها یا با استظهار عرفی کشف کرد.

گام هفتم

در این گام، مجموعه کلیدواژگان اصلی ایجابی کشف‌شده باید در چارچوبی معنادار، کاربردی و کارآمد تنظیم شوند. این مرحله «منظومه نظری قرآن» درباره فرایند عدالت را شکل می‌دهد. برای نظام بخشیدن به مجموعه واژه‌های اصلی، لازم است این واژه‌ها براساس معناداری و کارآمدی تفکیک و دسته‌بندی شوند تا بتوانند مسائل پیش‌روی تحقیق را حل کنند.

- در این تحقیق، دو تفکیک برای دستیابی به هدف تنظیم کلیدواژه‌ها استفاده می‌شود: ۱. تفکیک رفتار از وضعیت؛ ۲. تفکیک ویژگی‌ها از آثار.

بر اساس این تفکیک‌ها، چهار عنصر دیدگاه قرآن درباره عدالت اجتماعی شناسایی می‌شوند: ۱. ویژگی‌های رفتار عادلانه؛ ۲. آثار رفتار عادلانه؛ ۳. ویژگی‌های وضعیت اجتماعی عادلانه؛ ۴. آثار وضعیت اجتماعی عادلانه.

گام هشتم

در این گام، دیدگاه قرآنی عدالت (منظومه کلیدواژه‌های اصلی) را بر مواضع تحقق عدالت تطبیق می‌دهیم. مواضع تحقق عدالت را در گام اول به دست آوردیم و معرف جاهایی بود که می‌شد در روابط اجتماعی از عادلانه بودن یا

عادلانه نبودن آن سخن گفت. در این گام، باید نسبت بین «موقعیت اجتماعی تکوینی» و «نظریه اجتماعی قرآنی» در موضوع «عدالت» تعیین شود.

«موقعیت اجتماعی تکوینی» از پیش فرض‌ها و امور ثابت واقعی در متن زندگی اجتماعی سخن می‌گوید. دیدگاه اجتماعی قرآنی، یک نظریه مذهبی در اصطلاح شهید صدر است که مرکب، مسیر و مقصد رسیدن به وضعیت مطلوب «جامعه عادلانه» را ترسیم می‌کند (ر.ک. صدر، ۱۳۸۲؛ قاسمی اصل، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴-۱۰۶).

۲. تعیین مواضع تحقق عدالت

اگر بخواهیم موارد تحقق عدالت را بازشناسی کنیم، ابتدا باید بر مفهوم «عدالت» صرف‌نظر از معنا و مصداق آن تمرکز کنیم. در اندیشه اسلامی، مفاهیم انواعی دارند:

۱. ماهوی؛ مثل «انسان» که ذهن به‌طور خودکار از موارد خاص انتزاع می‌کند و قابل حمل بر امور عینی است.
 ۲. منطقی؛ مثل «کلی» که در ذهن محقق می‌شود و تنها بر مفاهیم صورت‌های ذهنی حمل می‌گردد.
 ۳. فلسفی؛ مثل «علت و معلول» که انتزاع آنها نیازمند کندوکاو ذهنی و مقایسه اشیا با یکدیگر است و بر امور عینی قابل حمل است.
 ۴. اعتباری؛ مثل «ملکیت».
- «عدالت» یک معقول ثانی فلسفی است که از کندوکاو ذهنی و مقایسه بین دو وضعیت به دست می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۳).

به نظر می‌رسد بتوان برای عادلانه شمردن وضعیت اقتصادی، به سه ملاک تمسک جست که از کندوکاو و مقایسه وضعیت‌های متنوع مربوط به انسان و جامعه به دست می‌آید:

اول. تناسب بین نیازها و امکانات: اگر بین نیازها و امکانات لازم برای تأمین نیازها، تناسب وجود داشته باشد، عدالت مراعات شده است. این نیازها می‌توانند واقعی، عرفی یا شخصی باشند که منجر به شکل‌گیری عدالت واقعی، عرفی یا شخصی خواهند شد. در سطح ملی، اگر به تناسب نیازهای عمومی، امکانات عمومی وجود داشته باشند، عدالت ملی برقرار است.

دوم. تناسب بین امکانات و تکالیف: با فرض اینکه امکانات و حقوق اولیه‌ای در اختیار است، تکالیفی به‌وجود می‌آیند. در این مرحله، عادلانه بودن وضعیت را می‌توان از تناسب بین تکالیف و امکانات (حقوق اولیه) کشف کرد. «عدالت» یعنی: تناسب بین حقوق اولیه و تکالیف.

سوم. تناسب بین تکالیف و حقوق: با فرض اینکه امکاناتی (حقوق اولیه یا حقوق قبل از عمل) در اختیار است، تکالیفی به‌وجود می‌آید که انجام آن تکالیف، حقوق ثانویه‌ای (حقوق بعد از عمل) را ایجاد می‌کند. در این مرحله، عادلانه بودن وضعیت را می‌توان از تناسب بین تکالیف و حقوق ثانویه کشف کرد.

بنابراین با زنجیره‌ای چهار حلقه‌ای مواجهیم: نیازها، امکانات (حقوق اولیه)، تکالیف، حقوق (ثانویه). تناسب دو به دو متوالی بین این مؤلفه‌ها، نشانه وجود عدالت است.

۳. تجميع موارد کاربرد «عدل» و «قسط» در قرآن

اگر بخواهیم نظریه‌ای مبتنی بر دیدگاه قرآن درباره عدالت داشته باشیم، باید به استقرا و جمع‌بندی کاملی از آیات مرتبط با عدالت در قرآن برسیم و ارتباط بین این آیات را به دست آوریم تا به تعبیر شهید صدر، به یک «مرکب نظری قرآنی» برسیم؛ مرکب نظری که در چارچوب آن، هریک از آیات مرتبط با عدل جایگاه مناسب خود را خواهد یافت (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴).

برای رسیدن به این هدف، همه آیاتی که در آن دو کلیدواژه «عدل» و «قسط» وجود داشت، بررسی شد. کلیدواژه «عدالت» ۲۵ بار در قرآن به کار رفته که در ۱۵ جا به معنای «عدالت»، اما در ۱۰ جا (ر.ک. بقره: ۴۸ و ۱۲۳؛ انعام: ۱ و ۷۰ و ۱۵۰؛ نمل: ۶۰؛ انفطار: ۷) به معنای «معادل» است که از طرح آن صرف نظر می‌شود. کلیدواژه «قسط» نیز ۲۵ بار در قرآن به کار رفته که در ۲۳ جا معادل «عدالت»؛ اما در ۲ جا به معنای ضد عدالت است.

تفصیل این آیات، در ادامه می‌آید:

۱. «وَلْيَكْتَسِبْ يَتِيمُهُ كَاتِبًا بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَنْحَسِ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَذَلِكَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَاقُومُوا لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا...» (بقره: ۲۸۲).

در این آیه، به قرینه مفهوم «عدل» از مفهوم «کما علمه الله» (آن گونه که خدا به انسان یاد داده) و در مقابل مفهوم مزبور از مضمون «لا یبخس منه شیئاً» به کار رفته است. سه ویژگی «سفاهت»، «ضعف» و «عدم استطاعت فعل (املال)» مغایر رفتار عادلانه شمرده شده است.

سه فایده «اقسط عند الله»، «اقوم للشهادة» و «ادنی الترتابوا» بر رفتارهای عادلانه مطرح در این آیه ذکر شده است. این سه مفهوم اسم تفضیل است و بر تشکیکی بودن تحقق رفتار عادلانه دلالت دارد. رفتار عادلانه منشأ تحقق «قوام: استواری» و «عدم ارتیاب: پذیرش توهم و شک» شمرده شده است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۳۴۱؛ ج ۴، ص ۲۸۹).

۲. «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳).

در این آیه از «عدم عول» به مثابه فایده «قسط» و «عدل» یاد شده است. «عول» یعنی: مایل شدن و انحراف از عدل و تجاوز نسبت به حقوق دیگران (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹).

استفاده از دو کلیدواژه «خوف» و «ادنی» که مفاهیمی تشکیکی دارند، بر مراتب متعدد تحقق عدالت و بی‌عدالتی دلالت دارد.

۳. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸).

کلیدواژه «بین الناس» در این آیه و موارد مشابه، بر بعد اجتماعی عدالت دلالت دارد.

۴. «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمِغَلَّةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۲۹). در این آیه، کلیدواژه «بین النساء» بر بعد اجتماعی عدالت دلالت دارد. کلیدواژه «میل» و نتیجه آن «تعلیق»، اثر عدم رعایت عدالت است. «میل» یعنی: انحراف از چیزی به سوی دیگری و «تعلیق» یعنی: وابستگی به گونه‌ای که نتواند به خود اتکا کند (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۲۰۳).

۵. «... كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ... فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعِرْضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۳۵).

در این آیه، کلیدواژه «قوام» در راستای تحقق قسط و کلیدواژه «اتباع هوی» و «لی» نقطه مقابل تحقق عدل شمرده شده است. «لی» یعنی: پیچاندن و چرخاندن چیزی از سویی به سوی دیگر (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱۰، ص ۲۶۶).

۶. «... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا اغْدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (مائده: ۸). در این آیه، رفتار عادلانه «اقرّب للتقوی» شمرده شده؛ یعنی رفتاری که به رعایت و تحقق تقوا نزدیک‌تر است؛ یعنی عدالت مقدمه تحقق تقواست.

۷. «... يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ... أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِه... وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (مائده: ۹۵).
۸. «... إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ... فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ اَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ» (مائده: ۱۰۶).

در این آیه، دو کلیدواژه «عدم اشتراء» و «عدم کتمان» وضعیت شخص عادل را توصیف می‌کنند «عدم اشتراء» به معنای نفروختن حق در قبال منافع مادی و «عدم کتمان» به معنای پنهان نکردن حق است. همچنین کلیدواژه «اثم» بیانگر وضعیت غیرعادلانه است که به معنای کندی و سستی در طلب حق و خیر است (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۳۴).
۹. «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انعام: ۱۱۵).

در این آیه، «صدق» و «عدل» و «عدم تبدیل کلمات» از صفات کلمه پروردگار برشمرده شده‌اند. «کلمه» یعنی: هر چیزی که بر معنایی دلالت دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۳۲۸).

۱۰. «... أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...» (انعام: ۱۵۲).

در این آیه، رفتار مبتنی بر قسط ابراری برای تأمین ایفای در پیمان و وزن معرفی شده است.

۱۱. «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۵۹).

طبق این آیه، تحقق هدایت، انجام رفتار عادلانه و شکل‌گیری وضعیت عادلانه منوط به التزام به حق است.

۱۲. «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۸۱).

۱۳. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كُلُّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَتَيْنَاهُ يَوْجُهُ لَأَيَاتٍ يَخِيرُ هَلْ

يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل: ۷۶).

در این آیه، قرار گرفتن بر «صراط مستقیم» حال انسان‌هایی است که به عدل دستور می‌دهند و قاعدتاً خود نیز به آن عمل می‌کنند. این افراد عادل مستقیم در مقابل افراد گنگ (أَبْكَمُ) ناتوانی (لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ) هستند که بار خود را به دوش دیگران می‌نهند (كُلُّ عَلَى مَوْلَاهُ) و نباید از آنها انتظار خیری داشت (لَأَيَاتٍ يَخِيرُ).

۱۴. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيثَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰).

۱۵. «... وَ أَمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ...» (شوری: ۱۵).

۱۶. «... فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَىٰ الْآخَرَىٰ فَتَأْتُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹).

در این آیه، در مقابل مفهوم «عدل» از مفهوم «بغی» به معنای طلب شدید در تعدی از حق (ر.ک. مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۴)، به تبع مفهوم «عدل» از مفهوم «اصلاح بینهما» و معادل مفهوم «عدل» از مفهوم «إقسطا: قسط» استفاده شده است. همچنین در مقابل مفهوم منفی «بغی»، از مفهوم مثبت «فیء» به معنای رجوع استفاده شده است (ر.ک. مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۹، ص ۱۶۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹).

۱۷. «... أَشْهَدُوا دَوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ...» (طلاق: ۲).

در این آیه، به دنبال مفهوم «عدل» بر مفهوم «قامه شهادت لله» تکیه شده است.

۱۸. «وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ مِنَ الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»

(جن: ۱۵-۱۴).

در این آیه، «قاسط» (بر وزن فاعل) معنای عدول‌کننده از حق دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۴۵). در نقطه مقابل، سه مفهوم «تحری» به معنای اعتدال بعد از افراط (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۰۶)، «رشد» به معنای هدایت شدن به سمت خیر و صلاح (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۱۳۹) و «اسلام» به معنای موافقت مطرح است.

۱۹. «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (آل عمران: ۱۸).

در این آیه، تحقق قیام به تحقق قسط منوط شده است.

۲۰. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران: ۲۱).

۲۱. «... أَنْ تَقُومُوا لِلنَّيْتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا» (نساء: ۱۲۷). در این آیه، تحقق قیام

منوط به قسط شده و در ذیل آیه، به طور کلی از انجام خیر سخن گفته که رفتار مبتنی بر قسط مصداق آن است.

۲۲. «... إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲).

۲۳. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...» (اعراف: ۲۹).

۲۴. «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ...» (یونس: ۴).

در این آیه، تحقق جزا منوط به تحقق قسط شده است. این جزا وعده خداست و وعده خدا حق است.

۲۵. «فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷).

این آیه قضاوت بر اساس قسط را نقطه مقابل ظلم معرفی می‌کند.

۲۶. «... وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷).

۲۷. «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود: ۸۵).

در این آیه، عمل به قسط راه ادای کامل پیمانه و ترازو معرفی شده و از «بخس» در حق مردم، «عتو» و «افساد»

در زمین، به عنوان نقطه مقابل قسط نهی شده است. «وفی» (ریشه ایفاء) یعنی: اتمام عمل به تعهد (مصطفوی،

۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۱۶۱): «بخس» یعنی: نقصان حق (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۱) و «عتو» یعنی: حرکت در

مسیر خروج از اعتدال (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۳۴).

۲۸. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء: ۳۵).

در این آیه، «ایفاء» صفت پیمانه و «استقامت» صفت قسطاس (ترازو) معرفی شده است. نتیجه چنین

سازوکاری تحقق «خیر» و «تأویل احسن» دانسته است. طبق تعبیر علامه طباطبائی، «خیر» آن چیزی است

که واجب است انسان در مواقع تردید بین دو چیز، آن را انتخاب کند و مقصود از «تأویل احسن» حقیقتی است

که سرانجام به آن منتهی می‌شود. خیر است؛ زیرا از سرقت و اختلاس به دور است و موجب جلب اعتماد بین

مردم می‌شود. تأویل آن احسن است؛ زیرا منجر به امنیت، رشد و ثبات در تنظیم زندگی مردم می‌شود (طباطبائی،

۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۹۱-۹۲).

۲۹. «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا» (انبیاء: ۴۷).

۳۰. «... وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ...» (شعراء: ۱۸۲).

۳۱. «ادْعُوهُمْ لِآيَاتِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب: ۵).

۳۲. «أَقِمْوَا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۹).

در این آیه، اقامه وزن منوط به تحقق قسط شده است. «اقامه» یعنی: قوام بخشیدن.

۳۳. «... أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵).

در این آیه، دو ابزار «کتاب آسمانی» و «میزان» در اختیار انبیای الهی معرفی شده که قوام یافتن زندگی اجتماعی بر اساس قسط را ممکن می‌سازند (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱).

۳۴. «... أَنْ تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸).

۴. تجمع واژگان مرتبط و تفکیک کلیدواژه‌های اصلی و فرعی

در آیات پیش گفته، برخی واژگان کلیدی وجود دارند که در فهم مقصود از «عدل» و «قسط» بسیار مفیدند. این کلیدواژه‌ها ممکن است «ثبوتی یا اثباتی» و «ایجابی یا سلبی» باشند. بنابراین، منطقاً با چهار نوع واژگان «ثبوتی – ایجابی»، «ثبوتی – سلبی»، «اثباتی – ایجابی» و «اثباتی – سلبی» مواجه‌ایم، هرچند بررسی قرآن کریم نشان می‌دهد که در آیات مربوط به عدالت، واژگان اثباتی – سلبی وجود ندارند.

در ادامه، این کلیدواژه‌ها از آیات استخراج می‌شوند:

۱. الفاظی همچون «قیام» (حدید: ۲۵؛ نساء: ۱۲۷؛ آل عمران: ۱۸)، «اقومیت» (بقره: ۲۸۲)، «قوامیت» (مائده: ۸؛ نساء: ۱۳۵)، «اقامه» (الرحمن: ۹)، «استقامت» (شعراء: ۱۸۳؛ اسراء: ۳۵؛ نحل: ۷۶؛ شوری: ۱۵)، «حق» (اعراف: ۱۵۹ و ۱۸۱)، «رشد» (جن: ۱۴)، «خیر» (نساء: ۱۲۷؛ اسراء: ۳۵)، «تأویل احسن» به معنای بهترین سرنوشت و عاقبت ممکن (اسراء: ۳۵)، «ایفاء» به معنای کامل کردن عمل به تعهدات (انعام: ۱۵۲؛ هود: ۸۵؛ اسراء: ۳۵)، اصلاح روابط اجتماعی (حجرات: ۹)، و به تقوا و مراقبت نزدیک‌تر بودن (مائده: ۸) بر کارکرد ثبوتی و ایجابی عدل دلالت دارند (۸ مورد).

۲. تعبیری همچون عدم تبدیل (بقره: ۲۸۲)، عدم بخش (بقره: ۲۸۲؛ هود: ۸۵)، عدم اثم (مائده: ۱۰۶)، عدم بغی (حجرات: ۹)، عدم افساد (هود: ۸۵)، عدم ظلم (یونس: ۴۷ و ۵۴)، عدم ارتیاب، به معنای مبتلا نشدن به شک و تردید (بقره: ۲۸۲؛ مائده: ۱۰۶)، عدم تبعیت از کشش‌ها و تمایلات نفسانی (شوری: ۱۵)، عدم انحراف و میل از حق (نساء: ۱۳۵ و ۳)، عدم میل کامل به یک طرف و تعلیق طرف دیگر (نساء: ۱۲۹)، عدم قیمت‌گذاری مادی بر امور فرامادی و عدم تأثیرپذیری از قربات (مائده: ۱۰۶) و عدم کتمان حق و خیر (مائده: ۱۰۶)، بر ویژگی‌های ثبوتی و سلبی عدل دلالت دارند (۱۴ مورد). تحقق این موارد بر مفاسد مترتب بر عدم تحقق عدالت دلالت دارد.

۳. کلیدواژه مطابقت با تعلیم الهی (بقره: ۲۸۲) به صورت اثباتی و ایجابی بر تحقق عدالت دلالت دارد.

در کنار این سه دسته کلیدواژه اصلی که حاوی مضامینی درباره مفهوم «عدالت» هستند، با چهار دسته کلیدواژه فرعی نیز مواجه می‌شویم که در فهم وسیع‌تر دیدگاه قرآن درباره عدالت راهگشا هستند:

۴. کلیدواژه‌هایی همچون «اقوم» (بقره: ۲۸۲)، «خیر» (نساء: ۱۲۷؛ اسراء: ۳۵)، «احسن» (اسراء: ۳۵)، «اوقی» (نساء: ۳۵) و «دنی» (بقره: ۲۸۲؛ نساء: ۳) که به شکل اسم تفضیل به کار رفته‌اند، بر رتبه‌مند بودن مصادیق عدالت و وابستگی عدالت به امور دارای مراتب دلالت دارند.

۵. کلیدواژه‌هایی همچون «وسع» (لانکلف نفسا الا وسعها)، «استطاعت» (لن تستطیعوا ان تعدلوا)، «خوف» (ان خفتم التعدلوا؛ ان خفتم الاتقسطوا) بر تقریبی بودن تحقق رفتارهای عادلانه دلالت دارند. این واقعیت و بند (۴) نشان می‌دهد که باید عدالت را مفهومی رتبه‌ای و تشکیکی در نظر گرفت، نه یک مفهوم عددی و مطلق.

۶. الفاظی همچون «الناس، بین الناس، بین النساء، بینکم، بینهم، بینهما» (شوری: ۱۵؛ حجرات: ۹؛ ممتحنه: ۸؛ حدید: ۲۵؛ نساء: ۳، ۵۸، ۱۲۷ و ۱۲۹) بر بعد اجتماعی عدالت دلالت دارند.

۷. در آیات عدل و قسط، بر برخی ویژگی‌ها و اوصاف الهی تکیه شده است که می‌توانند ارتباط معناداری با شکل‌گیری مفهوم مورد نظر قرآن از عدالت و کیفیت تحقق بیرونی آن داشته باشند این ویژگی‌ها در آیات ذیل هویدا است:

- «الله بکل شیء علیم» (بقره: ۲۸۲).

- «ان الله کان سمیعاً بصیراً» (نساء: ۵۸).

- «فان الله کان غفوراً رحیماً» (نساء: ۱۲۹).

- «فان الله کان بما تعملون خبیراً» (نساء: ۱۳۵).

- «ان الله خبیر بما تعملون» (مائده: ۸).

- «الله عزیز ذوانتقام» (مائده: ۹۵).

- «هو السميع العليم» (انعام: ۱۱۵).

- «ذلکم وصاکم به لعلکم تذكرون» (انعام: ۱۵۲).

- «یعضلکم لعلکم تذكرون» (نحل: ۹۰).

- «الله یجمع بیننا و الیه المصیر» (شوری: ۱۵).

- «ان الله یحب المقسطین» (حجرات: ۹).

- «لا اله الا هو العزیز الحکیم» (آل عمران: ۱۸).

- «فان الله کان به علیم» (نساء: ۱۲۷).

- «کفی بنا حاسبین» (انبیاء: ۴۷).

- «ان الله قوی عزیز» (حدید: ۲۵).

۵. تبدیل کلیدواژه‌های سلبی به ایجابی

در میان کلیدواژه‌های اصلی موجود در آیات عدالت، کلیدواژه‌های اثباتی اندک هستند و از آنها صرف‌نظر می‌شود.

اما کلیدواژه‌های سلبی غیرقابل چشم‌پوشی بوده و برای نظام‌بخشی به آنها، از سایر آیات و عرف استفاده می‌گردد تا معادل‌های ایجابی مناسب پیدا شود.

آیات مورد استفاده و معادل‌های ایجابی پیشنهادی به قرار ذیل است:

الف. با استفاده از آیات (بقره: ۶۱؛ انعام: ۱۱۵)، برای کلیدواژه «عدم تبدیل» سه جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود:

ثبات، صبر و تمام.

ب. برای کلیدواژه «عدم بخش» که مصطفوی آن را به معنای «نقصان در حق» برگزیده (مصطفوی، ۱۴۰۲، ق،

ج ۱، ص ۲۲۳)، با استفاده از آیات (اعراف: ۸۵؛ هود: ۱۵ و ۸۵؛ شعراء: ۱۸۳-۱۸۲)، چهار جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «ایفاء، توفیه، استقامت و کمال».

ج. با استفاده از آیات (بقره: ۳۳ و ۱۵۹؛ آل عمران: ۱۸۷؛ مائده: ۹۹؛ انبیاء: ۱۱۰؛ نور: ۲۹)، برای کلیدواژه «عدم کتمان» چهار جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «بدء، تبیین، بلاغ و جهر».

د. با استفاده از آیات (بقره: ۲۱۹؛ آل عمران: ۱۷۸؛ مائده: ۳؛ مجادله: ۹؛ قلم: ۱۲)، برای کلیدواژه «عدم اثم» چهار واژه ایجابی پیشنهاد می‌شود: «نفع، برّ، تقوا و خیر».

هـ. با استفاده از آیات (بقره: ۲۱۳؛ اعراف: ۳۳؛ یونس: ۲۳؛ نحل: ۹۰؛ نور: ۳۳؛ ص: ۲۲؛ شوری: ۴۲؛ حجرات: ۹)، برای کلیدواژه «عدم بغی» هفت جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «حق، مسیر مستقیم، تحسن، مسیر متعال، بازگشت، حفظ حدود و عدل».

و. با استفاده از آیات (بقره: ۱۱ و ۲۲۰؛ اعراف: ۵۶ و ۱۴۲؛ یونس: ۸۱؛ شعراء: ۱۵۲؛ نمل: ۴۸)، برای کلیدواژه «عدم افساد» دو جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «اصلاح و احسان».

ز. با استفاده از آیات (بقره: ۱۲۴، ۲۲۹، ۲۷۲ و ۲۸۱؛ آل عمران: ۲۵؛ مائده: ۴۵؛ اعراف: ۱۰۳؛ انفال: ۶۰؛ یونس: ۴۷ و ۵۴؛ هود: ۱۱۷؛ اسراء: ۳۳ و ۸۲؛ کهف: ۴۹؛ مریم: ۷۲؛ انبیاء: ۴۷؛ مؤمنون: ۶۲؛ نمل: ۱۱؛ فاطر: ۳۲؛ صافات: ۱۱۳؛

زمر: ۶۹؛ غافر: ۱۷؛ شوری: ۲۲؛ جائیه: ۱۹ و ۲۲؛ احقاف: ۱۲ و ۱۹؛ طلاق: ۱؛ نوح: ۲۸)، برای کلیدواژه «عدم ظلم» چهارده جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «امام، عهد الله، حدود الله، توفیه، ما انزل الله، اصلاح، قسط، حق، اتقاء، ایمان، خیر، اقتصاد، ایمان، و احسان».

ح. با استفاده از آیات (هود: ۴۵؛ توبه: ۶۲-۶۳ و ۱۱۰؛ غافر: ۵۹؛ جائیه: ۳۲؛ حجرات: ۱۵)، برای کلیدواژه «عدم ارتباب» پنج جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «بین، ایمان، ایقان، حق و درایت».

ط. با استفاده از آیات (بقره: ۱۲۰ و ۱۴۵؛ مائده: ۴۸ و ۴۹؛ رعد: ۳۷؛ مؤمنون: ۷۱؛ قصص: ۵۰؛ روم: ۲۹؛ ص: ۲۶؛

جائیه: ۱۸؛ نجم: ۳-۴)، برای کلیدواژه «عدم پیروی هوای نفس» هشت جایگزین ایجابی پیشنهاد می‌شود: «هدایت، علم، حق، ما انزل الله، شریعت، شرعه، منهاج و وحی».

ی. برای کلیدواژه‌های «عدم لی» و «عدم عول» به معنای میل از حق، کلیدواژه «عدم میل کامل به یک طرف» (و در نتیجه تعلیق طرف دیگر)، و کلیدواژه «عدم قیمت‌گذاری مادی و عدم تأثیرپذیری از قربت» به‌خاطر کاربرد محدود این واژگان در قرآن کریم، مفهوم ایجابی معادلی یافت نشد. بنابراین در تحقیق حاضر، این چهار کلیدواژه تأثیری در فهم دیدگاه قرآنی ندارند.

۶. تنظیم کلیدواژه‌های اصلی ایجابی

در نتیجه بررسی آیات، می‌توان تمام مفاهیم و کلیدواژه‌های قرآنی مربوط به عدالت را در واژگان ایجابی ذیل ارائه داد: قوام (قیام، قومیت، قوامیت، اقامه، استقامت، صراط مستقیم)، حق، رشد، خیر، تأویل احسن، ایمان، ایفاء (بالقسط)، اتقاء، اوقی (اقترب به تقوا)، ثبات، ایفاء، توفیه، کمال، ابداء، تبیین، جهر، نفع، برّ، تقوا، تحسن، حفظ، حد، اصلاح (صلاح)، بین، اعتماد، اطمینان، اتباع (هدایت، علم، حق، ما انزل الله، شریعت، شرعه، منهج، وحی، عهد الله)، احسان، اقتصاد، امام حق.

با حذف موارد تکراری و ادغام موارد نزدیک به هم، به کلیدواژه‌های ذیل می‌رسیم: حق، خیر، ایمان، امام حق، اتباع علم، اتباع شریعت، حفظ حدود، احسان، انجام برّ، اقتصاد، اتقاء، ایفاء، اصلاح، تبیین، اطمینان، اعتماد، تحسن، تأویل احسن، نفع، رشد، قوام، ثبات، کمال. برخی از این واژه‌ها بیشتر ویژگی‌ها یا آثار جامعه عدالت‌محور را توصیف می‌کنند و برخی دیگر ویژگی‌ها یا آثار رفتارهای عادلانه را نشان می‌دهند. برای مثال:

– کلیدواژه‌های «حق، خیر، امام حق» ویژگی‌های وضعیت عادلانه را نشان می‌دهند.

– کلیدواژه‌های «رشد، نفع، کمال، قوام، ثبات، تأویل احسن» آثار وضعیت عادلانه را توصیف می‌کنند.

– کلیدواژه‌های «ایمان، اتباع علم، اتباع شریعت، اتقاء، اقتصاد، احسان، انجام برّ، ایفاء، اصلاح، ابداء، تبیین، حفظ حدود» ویژگی‌های رفتار عادلانه را نشان می‌دهند.

– کلیدواژه‌های «ایمان، اطمینان، اعتماد، تحسن» آثار رفتار عادلانه را توصیف می‌کنند.

استمرار عمومی رفتار عادلانه جامعه را گام‌به‌گام به تحقق وضعیت عادلانه سوق می‌دهد و به تدریج، آثار رفتار عادلانه و آثار وضعیت اجتماعی عادلانه جامعه را فرامی‌گیرد. بنابراین در منطق قرآن، برنامه تحقق عدالت اجتماعی شامل چهار گام اساسی است:

۱. استمرار عمومی «ایمان، اتباع علم، اتباع شریعت، اتقاء، اقتصاد، احسان، حفظ حدود، انجام برّ، ایفاء، اصلاح، ابداء و

تبیین»؛ گام اول ناظر به قواعد حاکم بر رفتارهای عمومی است که سیاست‌گذاری باید به دنبال ترویج آن باشد.

۲. تحقق مستمر «حق، خیر و امامت حق»؛ گام دوم ناظر به ملاک‌های اصلی است که هر اقدام و سیاست

باید مبتنی بر آن باشد.

۳. فراگیر شدن «اطمینان، اعتماد، تحصن»؛ گام سوم نتیجه تحقق گام‌های اول و دوم است و می‌تواند معیار سنجش تحقق آنها نیز باشد.

۴. رواج یافتن «نفع، رشد، قوام، ثبات، کمال و تأویل احسن»؛ گام چهارم نتیجه سه گام پیشین و هدف نهایی سیاست‌گذاری است و می‌تواند معیار سنجش سه گام اول تا سوم باشد.

۷. تطبیق کلیدواژه‌های اصلی بر مواضع تحقق عدالت

تطبیق منظومه کلیدواژه‌های اصلی به معنای ارائه پرسش‌هایی است که در گام اول شکل گرفته‌اند و یافتن پاسخ‌های قرآن برای هر پرسش.

در گام اول، با استفاده از مفهوم «عدالت» در چهار حوزه «نیاز، امکانات، تکالیف و حقوق»، عدالت را در سه زمینه «تناسب بین نیازها و امکانات»، «تناسب بین امکانات و تکالیف» و «تناسب بین تکالیف و حقوق» بررسی نمودیم. در گام‌های بعد، منظومه مفاهیم مرتبط با عدل در قرآن را چهار دسته کردیم. حال باید نسبت بین منظومه مفاهیمی که از آیات عدل و قسط استخراج شده‌اند با زنجیره چهارگانه مفهوم عدالت (نیاز، امکانات، تکالیف، حقوق) تعیین شود:

۱. **نیازها:** شامل حق و خیر؛ از میان «حق» و «خیر»، تقدم با مفهوم «حق» است و «خیر» به معنای فهم و اعمال حق در موضوعات متغیر یا در حقوق دارای شدت و ضعف است.

۲. **امکانات:** شامل امام حق، علم، شریعت، برّ، حدود و مانند آن؛ از میان این مفاهیم، «امام حق» مجری است و سایر موارد محتوای برنامه‌ای هستند که امام اجرا می‌کند.

۳. **تکالیف:** شامل استمرار «ایمان، اتباع علم، اتباع شریعت، حفظ حدود، انجام برّ، رعایت تقوا، مراعات اقتصاد، احسان، ایفاء، اصلاح، ابداء و تبیین».

۴. **حقوق:** مشتمل بر فراگیر شدن اطمینان، اعتماد و تحصن بین مردم و رواج یافتن نفع، رشد، قوام، ثبات، کمال و تأویل احسن در جامعه اسلامی.

نتیجه‌گیری

این مقاله برای پاسخ به یکی از مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، به دنبال پاسخی براساس قرآن کریم برآمد. مسئله «فرایند تحقق عدالت اجتماعی» بود. این تحقیق نشان داد: تحقق عدالت اجتماعی یک واقعیت بسیط و آنی نیست، بلکه فرایندی مرکب از مؤلفه‌های متنوع است.

توفیق در تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی، منوط به جامعیت نگاه مذهب اقتصادی اسلام به عدالت است. اقتضای این جامعیت، نگاه فرایندی و جریانی به تحقق عدالت اجتماعی است. این پرسش به قرآن عرضه شد تا دیدگاه قرآن کشف گردد.

برای دستیابی به پاسخ قرآنی، چند پیش‌نیاز لازم بود:

۱. تعیین مواضع قابل رصد از نظر عادلانه بودن؛ زیرا عدالت مفهومی فلسفی است و از مقایسه دو وضعیت به دست می‌آید. عدالت در ارتباط «نیازها با امکانات»، «امکانات با تکالیف» و «تکالیف با حقوق» جست‌وجو شد.
۲. تعیین نقشه راه کشف دیدگاه قرآنی شامل تجميع آیات مرتبط؛ گردآوری کلیدواژه‌های مرتبط؛ تفکیک کلیدواژه‌های اصلی و فرعی؛ تبدیل کلیدواژه‌های سلیبی به ایجابی؛ تنظیم کلیدواژه‌های اصلی ایجابی؛ و تطبیق کلیدواژه‌های اصلی بر مواضع تحقق عدالت.
۳. ارائه تفکیک‌هایی که بتوان کلیدواژه‌های اصلی ایجابی را براساس یک فرایند معنادار و کارآمد دسته‌بندی کرد. برای تحقق این هدف، از دو تفکیک «ویژگی‌ها - آثار» و «رفتار - حالت» استفاده شد و کلیدواژه‌های اصلی ایجابی مربوط به فرایند تحقق عدالت اجتماعی در چهار دسته تنظیم گردید: ویژگی‌های رفتار؛ ویژگی‌های وضعیت؛ آثار رفتار؛ آثار وضعیت.
- این مقاله علاوه بر پرداختن به مسئله فرایند تحقق عدالت اجتماعی، یک روش‌شناسی متقن برای کشف دیدگاه قرآن ارائه داد. این روش‌شناسی شامل هفت مرحله معین بود که هم از نظر مفهومی تشریح شد و هم در کشف فرایند تحقق عدالت از آنها استفاده گردید.
- در این مقاله، بررسی تفصیلی درباره محتوای اجزای چهارگانه فرایند تحقق عدالت انجام نشد؛ زیرا هدف اصلی تشریح روند کشف فرایند با تأکید بر روشمندی ویژه آن بود. با همین دغدغه، یک روش متقن برای کشف دیدگاه قرآنی ارائه گردید و بر یک مثال عینی تطبیق داده شد.

منابع

- اخوان طوسی، محمدحسین و داوری، روح‌الله (۱۳۹۷). صورت‌بندی مفهوم «عدالت» در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه «قسط».
- پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳ (۷)، ۱۲۸-۱۰۷.
- پورعزت، علی‌اصغر، علی‌پور، میثم (۱۳۹۲). عدالت‌پژوهی در پرتو قرآن کریم. تهران: علمی و فرهنگی.
- خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۱). مدینه عادلّه: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رجایی، سیدمحمدکاظم و معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۴). درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- صالحی، سیدعباس (۱۳۹۱). مفاهیم اخلاقی معیار از منظر قرآن کریم. پژوهش‌های قرآنی، ۶۹ (۱۸)، ۴-۲۹.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲). اقتصادنا. چ دوم. قم: بوستان کتاب.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عربشاهی کهزیزی، احمد (۱۳۹۵). بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور. مطالعات قرآنی، ۲۸ (۷)، ۱۰۹-۱۳۳.
- عزیزپور، سمیه (۱۳۹۳). بررسی مسئله عدالت در قرآن کریم و عهدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- فقیه‌زاده، رضا و شهامت، الهام (۱۳۹۸). تبیین ماهیت و اهمیت عدالت از منظر قرآن کریم. همایش گام دوم/انقلاب: پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق در نیروی هوایی ارتش. تهران: همایش گام دوم انقلاب؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق در نیروی هوایی ارتش.
- قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۶). فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام با تأکید بر دیدگاه شهید صدر در کتاب اقتصادنا. روش‌شناسی پژوهش در علوم انسانی، ۱۵ (۸)، ۱۰۷-۱۲۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چ چهارم. تهران: دارا الکتب الاسلامیه.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۲). عدالت در قرآن و نسبت آن با پیشرفت. بی‌جا. بی‌نا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه. چ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.